

# کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی  
fateh.bahrami@gmail.com

567

21 فروردین 1398  
10 آوریل 2019



چهارشنبه ها منتشر میشود

پاسخ حمید تقوایی  
به سوال سارا  
از تهران درباره  
شوراهای سازماندهی

صفحه 3

انجمن مارکس کانادا برگزار میکند:

کمونیسم و ناسیونالیسم  
در کردستان

ارائه دهنده: حمید تقوایی

شنبه ۱۳ آوریل ۲۰۱۹

صفحه 8



## شوراها را همه جا برپا کنیم!

فاجعه سیل یک بار دیگر به همگان نشان داد که منشاء همه مصائب و مشکلات جامعه، منشاء فقر و فلاکت و بیحقوقی و تبعیض و سرکوب، مفتخوران حاکم هستند. نه تنها برای پاسخگوئی به نیازهای فوری قربانیان سیل بلکه برای حل ریشه ای همه مصائب مردم نیز باید در شوراها همیاری متشکل شد و به میدان آمد.

## اول ماه مه در دل سیل

محمدرضا پویا

اول ماه مه نزدیک است. تصاویر آشنا از این روز بمانند سالهای قبل قطعا تکرار خواهد شد: پرچمهای سرخ، زنده باد سوسیالیسم، اعتراض و مطالبه. در هر کشوری کارگزارانش همینها را بزبان همان جغرافیا فریاد میکنند، هر چند زبانها مختلفند اما در این روز کارگران همه هم زبانند. این شاید بزرگترین ویژگی اول مه در سراسر جهان است. علیرغم وجود تمامی مرزها و جدایی ها و علیرغم تزریق سمومات ناسیونالیستی طبقه حاکم به جامعه، آنچه در اول ماه مه بنمایش در می آید همسرنوشتی کارگر در سراسر صفحه 2



## در جستجوی غذا

نسان نودینیان

صفحه 3

## معرفی کتاب

## جنبش اول ماه مه در کردستان

صفحه 6

نسان نودینیان

## سیل آینه بزرگ نمای شر حاکم

یاشار سهندی

بار دیگر در همین روزها توده مردم ثابت کردند که با وجود همه درد و رنج و فقر حاکم بر زندگی، این خود آنها هستند که به یاری هم می شتابند. این امری است که بارها و بارها ثابت شده است. از زلزله بوئین زهرا تا زلزله طبس در زمان حکومت پهلوی و از زلزله رودبار تا زلزله کرمانشاه و سیل اخیر نمونه های برجسته از همیاری مردم است که در همه موارد این روند مورد نفرت حاکم بوده، و جمهوری اسلامی بیشرمانه یاری دهندگان را مورد اهانت و تحقیر و بازداشت قرار داده است. در حوادث طبیعی همه عالم و آدم مقصرند الا نظامی که در پی سود آوری، هست و نیست توده مردم را به باد میدهد؛ افراد جامعه مقصر هستند نه طبقه حاکم و نظام صفحه 5

## ایجاد شوراها یک ضرورت عاجل مقابله با سیل و جمهوری اسلامی

ناصر اصغری

سیل، حتی اگر تماما یک اتفاق طبیعی باشد، اما کنترل آن خارج از دست بشر نیست. گرچه بشر هنوز بطور کامل بر این نوع بلاها فائق نیامده؛ اما به آن حد از دانش و تکنولوژی هم دست یافته که بر آنها لگامی بزنند. و به همین دلیل هم، این بلاها در همه جا به یک اندازه قربانی نمی گیرند. جانی که از دانش و تکنولوژی استفاده بهتر شده تا در خدمت جامعه باشد و یا جامعه اجازه نداده که سرکوب و استثمار بیشتر باشد، آنجا اینگونه بلایا کمتر تلفات بر جای می گذارند. مثلا زلزله های با اندازه های یکسان در دو کشور، در یکی صفحه 4

## ستون آزاد:

سیل و جدال صف بندیهای طبقاتی!

صفحه 9

رحمان گلچهره

## در پاسخ به فاجعه سیل و فاجعه جمهوری

اسلامی شوراها را همه جا برپا کنیم

صفحه 4

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## کارگر کمونیست

از صفحه 1

### اول ماه مه در دل سیل



ایران مهم کرد نتنها عروج رهبران جوان و شجاع کارگری بود بلکه و عمدتاً پیام اعتصاب به جامعه بود. کارگران چشم در چشم رژیم اسلامی اعلام کردند کارخانه را نمی توانید اداره کنید، ما میتوانیم اداره می چرخانیم. ما خواهان اداره شورایی هستیم. بیرون جهیدن یک آلترناتیو سیاسی برای اداره کشور از دل یک اعتصاب کارگری امری نبود که جامعه را تکان ندهد. از همین رو اعتصاب هفت تپه به گل سر سبد اعتراضات جامعه تبدیل شد. این عبور سیاسی از رژیم اسلامی که در دیماه 96 شعارش بخوابان آمد در اعتصاب هفت تپه پراتیک شد و در واقعه سیل همگانی گشت. آنچه که اول ماه مه را به "سیلزندگان" وصل میکند، در پله اول سرنگونی رژیم اسلامی برای پایان دادن به همه دردها و مصایب جامعه است و در پله دوم همگانی شدن شعار "اداره شورایی" جامعه است.\*

کرده است. این دیگر بمانند زلزله در یک شهر نیست که رژیم اسلامی بتواند با سرکوب و شیادی خانه خرابی مردم را مشمول مرور زمان کند و از اذهان بزداید. این یک فاجعه بزرگ است که کل مردم در سراسر کشور را درگیر خود کرده است. از اینرو و از هم اکنون یک سر تمامی اعتراضات در جامعه به مردم سیل زده وصل خواهد بود. از همینجا به نکته دوم میرسیم: تعداد وسیعی از چهره های سیاسی با گرایشات مختلف در پیامها و مصاحبه های خود بمناسبت سال نو، اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه را بزرگترین واقعه سیاسی سال 97 نامیدند. آنچه که این اعتصاب را در صحنه سیاست

وسایل زندگی خود را از دست داده اند و به معنای اخص کلمه "عریان" هستند. هزاران نفر حتی بمدت چند روز غذایی برای خوردن نداشتند. در بسیاری از فیلمها مشاهده شد که چگونه کودکان برای یافتن تکه نانی به همه جا سر می کشیدند. تصاویر دهشتناک بودند اما مردم از شمال تا جنوب همگی متفق القول گفتند توهمی ندارند میدانند رژیم اسلامی بفریاد کسی نخواهد رسید، گفتند اینها دزدند و مسبب خانه خرابی ما. هیچ اعتراض میلیونی نمی توانست عبور از رژیم اسلامی و خواست رفتن رژیم اسلامی را اینچنین بنمایش در بیاورد. آنچه از این سیل بجا مانده یک ویرانی وسیع و یک عزم بزرگ برای سرنگونی رژیم اسلامی است. ویرانی بمیزانی است که ادامه زندگی برای میلیونها مردم متضرر از سیل را غیر ممکن

جهان است. اول مه امسال در ایران در شرایطی متفاوت از سالهای دیگر برگزار میشود، متفاوت نه از بابت وضعیت دستمزد و سطح فقر و رفاه کارگر که همه خطوط قرمز را در نوردیده، نه از جهت میزان سرکوب و دستگیری فعالین کارگری که با شدت تمام ادامه دارد، بل از این منظر که کل جامعه از دو جهت در شرایط متفاوت و جدیدی قرار گرفته است. اول آنکه سیلی صاعقه وار زندگی میلیونها نفر را نابود ساخت. دهها استان کشور به زیر آب رفتند. سیل ادامه دارد و لذا مشکل بتوان میزان خسارت به زندگی مردم را حتی حدس زد. کسی نمیداند چه تعداد از مردم در این سیل جان باختند. از مازندانان و گلستان و ترکمن صحرا گرفته تا لرستان و ایلام و خوزستان و فارس، میلیونها نفر خانه و

هیئت تحریریه:

ناصر اصغری

nasser\_asgari@yahoo.com

محمد رضا پویا

Mohammadreza.pooya@gmail.com

شهلا دانشفر

shahla\_daneshfar@yahoo.com

بهمن ذاکر نژاد

bahmanzaker@gmail.com

داوود رفاهی

dawood.refaahi@gmail.com

یاشار سهندی

y\_sahandi@yahoo.com

محمد شکوهی

moshokohi@yahoo.de

حسن صالحی

hasan.salehi2000@gmail.com

نسان نودینیان

nandiniannasroola@yahoo.de

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست.

درج مقالات در کارگر کمونیست

لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها

از جانب نشریه نیست.

## به جنایت سپاه پاسداران در سوسنگرد باید اعتراض کرد

زدگان، جمع آوری کمک به سیل زدگان را گسترش دهند و با ایجاد شوراهای سازماندهی اعتراض در شهرهای مختلف همبستگی میان خود و مردم سیل زده را تحکیم کنند. مردم در مناطق سیل زده نیز ضروری است شوراهای خود را تشکیل دهند تا به شیوه ای سازمان یافته و موثر خود را برای مقابله با مشکلات آماده کنند، مدام خبررسانی کنند و کمک ها را به شیوه عادلانه ای میان سیل زدگان توزیع کنند.

سرنگون باد حکومت مفتخوران و جنایتکاران اسلامی پیش به سوی ایجاد شوراهای سازماندهی اعتراض در سراسر کشور

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ فروردین ۱۳۹۸، ۳ آوریل ۲۰۱۹

در همه نقاط سیل زده مردم از حکومت و بی توجهی به جان و زندگی شان خشمگین هستند و علیه مقامات حکومت از جمله محسن رضایی که برای ریاکاری به این مناطق رفته اند، شعار داده و آنها را فراری داده اند. حکومتی که صدها میلیارد دلار صرف کنترل حجاب و سرکوب مردم و یا صرف موسسات و نهادهای مذهبی و سرکوب و یا سازمان های اسلامی در منطقه میکند، در هیچ شهر سیل زده ای کمک قابل توجهی نکرده است و هر جا توانسته با ایجاد فضای امنیتی مانع کمک رسانی مستقیم مردم به سیل زدگان شده است.

حزب کمونیست کارگری از مردم در سراسر کشور میخواهد وحشیگری حکومت اسلامی را شدیداً محکوم کند. حزب مردم در سراسر کشور، کارگران و معلمان، دانشجویان و نهادهای مختلف مردمی را فرامیخواند که ضمن اعتراض به حکومت بدلیل بی توجهی به سیل

از ساعت یک و نیم بامداد روز ۱۴ فروردین مردم روستاهای اطراف دشت آزادگان و سوسنگرد در خوزستان در اعتراض به سپاه پاسداران، که قصد باز کردن سیل بندها را داشت دست به اسلحه بردند و با مزدوران سپاه درگیر شدند. در این درگیری حداقل ۵ نفر از مردم مجروح شدند. حال یکی از مجروحین به اسم عبود ربیعی که از ناحیه شکم زخمی شده و خیم گزارش شده است.

سپاه پاسداران در این منطقه اقدام به باز کردن سیل بندهایی کرد که مردم برای حفاظت از مزارعشان در برابر سیل درست کرده بودند. اما علیرغم مقاومت مردم، سپاه سیل بندها را باز کرد و سیل به مزارع مردم سرازیر شد.

چند روز قبل مزدوران حکومت در شهر آق قلا در استان گلستان نیز برای مقابله با مردم معترضی که علیه بی توجهی حکومت دست به تجمع زده بودند، از گاز اشک آور استفاده کردند.

## مرگ بر جمهوری اسلامی!

## زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## در جستجوی غذا!

نسان نودینیان

در خوزستان کودکی گرسنه با در دست داشتن یک کیسه پلاستیکی به دنبال غذا می‌گردد. فیلمبردار از او می‌پرسد: "عمو این کیسه پلاستیکی برای چیست؟" جواب این کودک فقط یک کلمه است: "غذا"

این روزها صحنه های دلخراش میلیون ها مردم سیل زده کم نیستند. از سوال کودکی در پلدختر که سراغ آثار خانه و زندگی و کتابهایش را از مادرش میگیرد و مادر با اندوهی عمیق جواب میدهد "سیل همه چیز ما را دفن زمین و آب کرد" تا کودکی که در فکر سیر کردن شکم و پیدا کردن تکه ای نان هستند. عامل و مسبب زندگی مشقت بار و گرسنگی کودک و میلیون ها نفر از مردم، جمهوری اسلامی است.

در هیچ کجای دنیا همانند ایران اختلاف طبقاتی وجود ندارد. صحنه های دلخراش ویران شدن هست و نیست زندگی مردم زحمتکش، تصویر تمام قد و بدون سانسور و روتوش فقر و شکاف طبقاتی را عیان کرد. سیل عمق شکاف طبقاتی را به نمایش گذاشت. کودک پلاستیک بدست در جستجوی "غذا" یکی و ده تا و صدتا و هزار کودک نیست. کودکان چند میلیون کارگر زن و مرد در جستجوی نان، غذا، مسکن، رفاه، بهداشت و دارو و لباس و تحصیل و امنیت جانی و معیشتی هستند.

در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی سرمایه، ۷ دهم درصد (معادل ۵۲۵ نفر) از جمعیت میلیاردی ایران در شهرهای بزرگ و در خانه های با وسعت بیش از ۵۰۰ متر زندگی می کنند. (روزنامه مردم سالاری ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۳). طبق اعلانات دوایر مجلس اسلامی "یک چهارم نقدینگی کل کشور در اختیار



حدود ۶۰۰ نفر است. سه امپراتوری مالی شناخته شده (سپاه پاسداران، امپراتوری ولی فقیه و بیت رهبری، امپراتوری شرکت های دولتی) قدرت مالی در ایران را در اختیار دارند.

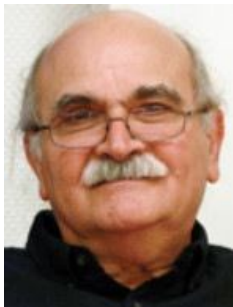
جمهوری اسلامی سرمایه داران مسبب و عامل بقاء کلیه مصائب گریبانگیر انسان امروز در ایران است. فقر و محرومیت، تبعیض و نابرابری، اختناق و سرکوب سیاسی، جهل و خرافه و عقب ماندگی فرهنگی، بیکاری، بی مسکنی، ناامنی اقتصادی و سیاسی، فساد و جنایت همه و همه محصولات گریزناپذیر این نظامند.

منشاء فقر و گرسنگی، بیکاری و بی مسکنی و ناامنی اقتصادی، نظام اقتصادی انتهای این قرن است. استبدادها و دیکتاتوری های خونین، جنگها، مردم کشی ها و سرکوب و اختناق که سهم صدها میلیون انسان امروز از زندگی است، توسط این نظام برای بهره کشی و استثمار و ناعدالتی اجتماعی سازماندهی شده است. این شکاف عظیم طبقاتی را باید با انقلاب سوسیالیستی از بین برد. باور به اعتراضات پیگیرانه و هموار کردن راه های موثر در راه اعتصابات مداوم جبهه محکم در مقابله با شرایط کنونی است. این دنیای وارونه را باید از قاعده اش بر زمین گذاشت.

جواب به مصائب اقتصادی و اجتماعی سیل و زلزله و شکاف طبقاتی در گرو سرنگونی حکومت اسلامی سرمایه و برقراری جامعه ای سوسیالیستی با انقلاب تحت هژمونی طبقه کارگر است!

## پاسخ به نامه ها

### پاسخ حمید تقوائی به سوال سارا درباره شوراهای سازماندهی



سارا:

سال گذشته حزب کمونیست کارگری یک شعار خیلی مهم را طرح کرد تشکیل شوراهای سازماندهی اعتراضات و محلات، این حالا در میان ما فعالین و حتی بطور عمومی تبدیل به یک گفتمان جدی شده است همه میدانند این را حزب شما مطرح کرده است و مدیون هستند اما برای تبدیل کردن آن به عمل هنوز گیر داریم قطعا راههای متفاوتی هست مثلا اول فعالین در یک سطحی یک ارگان سراسری را بوجود آورند و یا اینکه هر فعالی متعلق به هر کدام از جنبش های اجتماعی از محیط زیست گرفته تا فعالین کارگری و فعالین متعدد در سطح شهر و محله مستقیم دست بکار شوند و سر آخر در نتیجه این شوراهای محل یک ارگان سراسری بوجود بیاید اینها مباحثی است حول این هدف که حزب مطرح کرده است رهنمود شما بطور مشخص چیست؟ رفقا اگر ممکن است حمید تقوائی جواب بدهد سپاس سارا از تهران بزرگ ارسال به رفیق طه حسینی

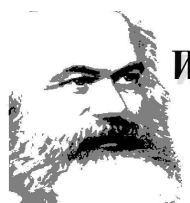
#### حمید تقوائی:

میتوان شوراهای سازماندهی را در سطحی فرامحلی تشکیل داد. لازمه این کار شناخت و ارتباط در میان فعالین شهرهای مختلف است. امری که مدیای اجتماعی کاملا آنرا امکان پذیر ساخته است. در عرصه هائی که مبارزه و اعتراض خصلت محلی دارد، مثلا حول مسائل ویژه یک کارخانه و واحد تولیدی و یا یک دانشگاه و محله، طبعا شوراهای محلی خواهند بود. در هر دو حالت ارتباط بین شوراهای با یکدیگر باید یک هدف ما باشد و بنوعی میتوان شبکه ای از شوراهای سازماندهی بوجود آورد. در هر حال این بعهده فعالین شوراهای است که بسته به شرایط تشخیص بدهند چگونه میتوان شوراهای سازماندهی را تشکیل داد. یک نسخه عام و از پیشی وجود ندارد. امیدوارم این توضیحات کافی باشد.

با آرزوی پیشروی و پیروزی  
حمید تقوائی

سارا عزیز در پاسخ به سوال که طرح کرده ای اولین نکته اینست که شکل سازمانی شوراهای در هر عرصه از هدف و مضمون آن ناشی میشود. همانطور که میدانی شوراهای سازماندهی طرحی برای سازماندهی توده ای در جنبش سرنگونی است. تلاش ما اینست فعالین جنبش های اعتراضی که خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی هستند و فعالیت خود را در این جهت می بینند در این شوراهای متشکل بشوند و هماهنگ و همبسته عمل کنند. این هماهنگی و همبستگی هم میتواند حول یک امر سراسری و متشکل از فعالین در شهرهای مختلف صورت بگیرد و هم در سطح محلی. بعنوان نمونه همین امروز فاجعه سیل و مساله امداد رسانی به سیلزدگان امری سراسری است که در محور فعالیت بسیاری از فعالین جنبشهای اعتراضی قرار گرفته است. در دل این فعالیت

به حزب کمونیست کارگری پیوندید!



WE STILL NEED MARX  
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran  
www.wpiran.org

## در پاسخ به فاجعه سیل و فاجعه جمهوری اسلامی شوراها را همه جا برپا کنیم



## ایجاد شوراها یک ضرورت عاجل مقابله با سیل و جمهوری اسلامی

دهها برابر خسارت و تلفات در مقایسه با دیگری به بار می‌آورد. مثلا زلزله‌ها در ژاپن با ریشتر بالاتر در مقایسه با زلزله‌ها در ایران با ریشتر پائین تر نصف خرابی و تلفات بر جای نمی‌گذارند. حتی آمار تلفات پدیده‌های طبیعی یکسان در دو کشور همسایه ایران و ترکیه مثل هم نیست. ایران، بخصوص تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، همیشه خسارات و ویرانی بیشتری بر جای گذاشته است.

عین همین خانه خرابی و دربدری را در مورد سیل اخیر هم شاهد هستیم. همه می‌دانند که این همه خانه خرابی و این همه ویرانی محصول چپاول و دزدی‌هایی است که آخوند جماعت در آن مملکت به راه انداخته و کوچکترین مسئولیتی هم در قبال جامعه‌ای را که بر آن چنگ انداخته اند، به گردن نمی‌گیرند. چپاول و غارت و سرکوب کار آنهاست، اما "بلاهای آسمانی" کار خداوندشان است! این وضعیت را نباید پذیرفت. کاری که در این باره می‌توان کرد، دست به کار شدن برای جلوگیری از فاجعه‌ای است که هم اکنون نه تنها جان صدها تن را گرفته و صدها هزار تن را بی‌خانمان کرده است، بلکه می‌رود که جان هزاران نفر دیگر را نیز بر اثر بیماری‌هایی که این سیل با خود آورده بگیرد. هزاران کودک و نوزاد بر اثر نبود مواد اولیه غذایی و شیر و پوشاک مناسب یا هم اکنون تلف شده اند و یا در معرض تلف شدن هستند. هر روزی که جامعه در انتظار معجزه الهی و یا کمک‌های مسئولین این رژیم بگذراند، یک

روز به ویرانی و خانه خرابی بیشتر فرصت داده است. برای توده‌های مصیبت زده این جامعه، دست به کار شدن و سازمان دادن برای عبور از این وضعیت یک ضرورت است. جامعه ایران هم اکنون با سیاست‌های ماجراجویانه رژیم اسلامی در منطقه و تروریسمش در چهارگوشه جهان، تا حدود زیادی به تباهی کشیده شده است. هر روز بیشتر این وضعیت ادامه یابد بر خانه خرابی‌ها افزوده می‌شود. بخشهایی از جامعه هم اکنون دست به کار شده و دارند دست به اداره جامعه می‌زنند. اکنون که این سطور را می‌نویسم، خبر تشکیل "ستاد همیاری فرهنگیان" منتشر شده و در ۷ شهر این ستادها تشکیل شده‌اند. کارهایی که در دستور گذاشته‌اند سازمان دادن کاروان‌های کمکرسانی به مردم سیل زده است.

سازمان دادن شوراهای همیاری اما چهره‌های شناخته شده اجتماعی و سیاسی را لازم دارد که جامعه حول فراخوان آنها متحد و متشکل شود. فعالین و چهره‌های شناخته شده در این جامعه، فعالین کارگری، فعالین جنبش اعتراضی معلمان، فعالین جنبش زنان و فعالین جنبش حمایت از حقوق کودک باید دست در دست هم گذاشته و جامعه را حول یک پلاتفرم عاجل کمک رسانی و عبور از این وضعیت سازمان بدهند. به سوی سازماندهی شوراها!

فعالین اجتماعی اگر بتوانند همین شوراها و نهادهای کمک رسانی ایجاد شده را گسترش دهند و جامعه را حول کمک و همیاری مردم و خصوصیت

انسانی آنها سازمان دهند، وارد یک مرحله بسیار مهمی از گذار از حاکمیت آدمکش جمهوری اسلامی شده‌اند. تاریخ نشان داده است که وقتی دولتی توان و علاقه ای به رسیدگی به مشکلات حادی در جامعه مثل جنگ، زلزله، قحطی، سیل، گرسنگی و بیکاری را نداشته باشد، راه بر دست به کار شدن آلترناتیوها باز می‌کند. جمهوری اسلامی از آن حکومت‌هایی است که هر روز از عمرش برابر است با تباهی و فقر و ذلت بیشتر. آلترناتیو شورائی باید جامعه را سازمان بدهد، هم برای رسیدگی به مسائل عاجل روز مثل کمک به سیل زدگان، و هم برای عبور از جنازه خود این رژیم که چیزی جز نکت برای توده‌های مردم ندارد. حکومتی که در برابر مطالبه پرداخت دستمزدها، کارگران را سرکوب می‌کند؛ در برابر مطالبه برابری زن و مرد، به سنگسار و دیگر ابزار توحش اسلامی دست می‌برد؛ در برابر مطالبه مسکن و سرپناه، زندان و حبس می‌کند؛ و در برابر مطالبه کار و نان، انسانها را شکنجه و اعدام می‌کند؛ چنین حکومتی میلیونها دشمن در کمین دارد. نهادها و شوراهایی که امروز برای همیاری و کمک به سیل زدگان ایجاد شوند، می‌توانند به نهادهای آلترناتیو رژیم در همه عرصه‌ها تبدیل بشوند. جامعه‌ای که از این وضعیت به تنگ آمده، حتما با آغوش باز به کمک ایجاد تشکل‌ها و نهادهایی که به قصد عبور از این وضعیت ایجاد می‌شوند، خواهند شتافت.\*

۸ آوریل ۲۰۱۹

فاجعه سیل ابعادی سراسری یافته است. بنا به آمار رسمی تا کنون بیش از ۱۹۰۰ شهر و روستا در معرض سیل قرار گرفته اند. بیش از سی هزار واحد مسکونی تخریب شده است، ده ها هزار نفر آواره و بیخانمان شده‌اند و حداقل ۷۰ نفر تاکنون جان خود را از دست داده‌اند. سیل سانحه‌ای طبیعی است اما چنین عواقب و پیامدهای دهشتناکی حاصل نظام و حکومتی است که ایمنی و آسایش مردم برایش کمترین اهمیتی ندارد. جمهوری اسلامی حکومت‌تأمین امنیت و آسایش مردم نیست، عامل نا ایمنی و سلب آسایش مردم است. عامل دزدی و فساد و چپاول، و عامل‌زدان و اعدام و سرکوب مردم است. اگر هزینه‌های میلیاردی که حکومت اسلامی صرف دم و دستگاه سپاه و بسیج و وزارت اطلاعات و زندانها و ارگانهای سرکوب مردم میکند و اگر حتی بخشی از هزینه‌های نجومی که صرف مسجد و امامزاده سازی و حوزه‌های علمیه و امام جمعه‌ها و کل بساط تحمیق و سرکوب مذهبی مردم و کمک به جریانات اسلامی در منطقه میشود برای پیشگیری و پیگیری سوانحی نظیر سیل خانمان برانداز اخیر صرف میشد با چنین فاجعه‌ای مواجه نبودیم. در دو هفته اخیر مقامات رژیم با گسیل سپاه به مناطق سیلزده و با امنیتی کردن این مناطق و شلیک بروی سیلزدگان معترض نشان داده‌اند که بیشتر به فکر حفظ "نظم و امنیت" نظام جهانی خود و مقابله با "اخلالگران" هستند تا

کمک رسانی به قربانیان سیل. برای مقابله با این فاجعه باید خود ما مردم بپاخیزیم و این حرکت آغاز شده است. نهادهای مردمی برای همیاری و کم رسانی به سیلزدگان تشکیل شده است و تلاش و حرکت وسیعی برای امداد رسانی به قربانیان سیل شکل گرفته است. اعتراضات به مقامات و مسئولین حکومتی نیز در حال گسترش است. این حرکت توده‌ای باید هر چه گسترده تر سازمان پیدا کند و متشکل شود. امداد رسانی به سیلزدگان از اعمال فشار به حکومت برای رسیدگی به وضع قربانیان سیل و جبران خسارات آنها جدا نیست. باید حکومت را تحت فشار قرار داد و ناگزیر کرد همه امکانات خود را برای کمک رسانی به سیلزدگان بکار بگیرد. نهادها و تشکلها و کمیته‌های فی الحال موجود فعالین کارگری، کانون‌ها و کمیته‌ها و ان جی اوها و نهادهای مردمی باید بمیدان بیایند و بعنوان ارگانهای امداد رسانی مستقیم و همچنین اهرم اعمال فشار به حکومت عمل کنند. در این شرایط تشکیل شوراهای همیاری، هم بمنظور سازماندهی کمک رسانی مستقیم به سیلزدگان و هم بعنوان ارگانهای سازماندهی اعتراض و نقش موثر و کارسازی ایفا کند. تخصیص بودجه و منابع و امکانات مالی و خدماتی و فنی کافی برای کمک رسانی فوری به قربانیان سیل و تامین غذا و دارو و سرپناه و نیازهای اولیه مردم در

از صفحه 1

## سیل آینه بزرگ نمای شر حاکم

حاکم بر آن جامعه! به شهادت تاریخ، انقلاب ۵۷ و حوادث طبیعی این چهل ساله گذشته، ثابت شده انسانها نه "منبع شر" که برعکس آن صادق است. آنگاه که بتوانند اراده خود را به حاکمان تحمیل کنند جز یاری رساندن به دیگران در نتیجه به خود اراده دیگری ندارند. همیاری هائی که در پی حوادث طبیعی شکل میگیرد نمونه بارز از نشانه های انسانیت انسانها است در لحظه ای که میتوانند خود را از مناسبات حاکم جدا سازند. "انسانیت" یک محث اخلاقی به معنی نیکوکاری نیست. نیکوکاری انرژی اش را از مناسبات طبقاتی میگیرد که اصولا باید انسانهائی درمانده باشند که من نوعی بتوانم نیکوکاری خود را به اثبات برسانم و سر همه منت بگذارم که من شخص نیکوکاری هستم؛ نمونه بارز شخص اول میلیاردر جهان

که تبلیغات رسانه های بورژوازی روی بنیاد نیکوکاری ایشان گوش فلک را کر کرده است اما نمی گویند نتیجه اینکه ایشان به تنهایی میتواند ثروت میلیاردها را در گرو خود داشته باشد منشا آن کجاست. انسان بودن، انسانیت میحشی اخلاقی نیست بلکه موضوعی به شدت اجتماعی است و وقتی نشانه های آن بروز میکند که توده مردم برای مدتی کوتاه فرصتی پیش می آید فراموش کنند اسیر مناسبات طبقاتی موجودند. توده مردم در وقایع اجتماعی مانند انقلاب بیش از هر زمانی دیگر به اثبات میرسانند که جز در همیاری به خود به جانی نمی رسند. یک شبه همه آن چیزهائی که شر تعریف شده و سعی شده شر سازماندهی شده بر زندگی مردم حاکم باشد دود میشود و به هوا میرود. غرش زنده باد انسانیت

کل جامعه را فرا میگیرد؛ زمانی تحت عنوان "زنده باد کمون" و زمان دیگر "زنده باد شوراها". انقلاب نه اراده شخصی برای تخریب بلکه اراده جمعی جامعه است برای سازماندهی یک دنیای بهتر. این دقیقا اراده جمعی طبقه حاکم است که نه تنها انقلابات را به خشن ترین شیوه های ممکن به تخریب میکشانند بلکه خشونت که امر روتین جامعه سرمایه داری است را سازمان میدهد.

آنچه در فاجعه سیل اخیر برجسته است، این است که وقتی امور مردم به دست خود مردم باشد دامنه خرابی طبیعت، میتواند به این شکل فاجعه بار به زندگی انسانها تسری نیابد. مردمی که از کوه و کمر میگذرند تا به هموعان خود یاری برسانند، مردم نگون بختی که بر اثر زلزله بی جا و مکان هستند اولین چیزی که به خاطرشان میرسد کمک کردن به کسانی مانند خودشان است. مردمی که در محاصره سیل هستند به یاری هم سیل بندی چند کیلومتری را در

عرض یک روز به پا میدارند و در میان این همه گرفتاری با آواز خواندن از چیرگی خود بر "خشم طبیعت" و تبهکاری حاکم به همدیگر روحیه میدهند. و چه زیبا بود پایکوبی مردم حمیدیه خوزستان وقتی به یاری هم سیل بند را بر سر راه سیل محکم کردند. و در این میان حتی کسانی از حیوانات غافل نشدند.

مصیبتی که مردم گرفتار آن شده اند نتیجه کارکرد نظام حاکم است. انسان از وقتی خودش را به عنوان انسان شناخته است اولین کاری کرده مهار نیروهای طبیعت و به خدمت در آوردن طبیعت برای خود بوده است. اما انسان قرن بیست یکم گرفتار نظام به شدت ضد انسانی است که این چنین یک واقعه طبیعی میتواند طومار زندگی اش را درهم بپیچد. در زمانی که انسان توانسته است انرژی نیروی آب را مهار کند و با آن فلزات را برش بزند و با کمک این انرژی برق تولید کند اما این انرژی، این پدیده طبیعی برای بهره کشان حاکم منبع ثروت

اندوزی است، ثروت اندوزی که به قیمت ویرانی همه عمر توده وسیعی مردم تمام میشود. به اعتراف یکی از همین آقایان (که مثلا مدیر ستاد بحران است و فاجعه را نتیجه امتحان الهی میدانند و با حوزه علمیه قرارداد میبندد که "بلاای طبیعی" را دور سازند): "پلها را بر اساس دبی جیمان نه فی رودخانه" ساختند.

تنها راه رفع بلای نفرین اجتماعی حاکم، سرنگونی جمهوری اسلامی به کمک نیروی انقلاب است. که در پی آن باید نظامی شکل بگیرد که همه انسانها در همه امور خود مشارکت مستقیم و بی واسطه داشته باشند. سیل اخیر بزرگ نمای شر حاکم طبقاتی است که تنها راه رفع این شر انقلابی اجتماعی است که اساس نظام حاکم را زیر و رو کند. و تنها در این صورت است که رفاه کامل متحقق خواهد شد و آنگاه انسانیت چه در ظرفیت جمعی و فردی امکان بروز می یابد و این هدف سوسیالیسم است\*

از صفحه 4

## در پاسخ به فاجعه سیل و فاجعه جمهوری اسلامی شوراها را همه جا برپا کنیم

مناطق سیلزده، رسیدگی فوری به وضع مجروحین، جبران خسارات ناشی از سیل، اقدامات پیشگیرانه لازم برای جلوگیری از گسترش سیل، برکناری و محاکمه مقامات مسئول این فاجعه از جمله خواستههای فوری است که مردم میتوانند به حکومت تحمیل کنند. در دل این حرکت و برای جلوگیری از تکرار چنین فجایعی باید برای بزیر کشیدن حکومت و نظامی که مسئول و مسبب مستقیم کلیه مصائب مردم است نیز آماده شد.

یک حلقه مهم کسب این آمادگی تشکیل شوراهای همیاری است. چندی پیش کارگران نیشکر هفت تپه در اوج اعتصاب خود شعار اداره شورائی جامعه را مطرح کردند. فاجعه سیل بیش از همیشه و عاجل تر از همیشه ضرورت تشکیل شوراها و اداره شورائی جامعه را در برابر چشم همگان قرار میدهد. برای پاسخگویی به این ضرورت شوراهای همیاری را میتوان و باید در سطح گسترده ای تشکیل داد. فاجعه سیل یک بار دیگر به



سرنگون باد جمهوری اسلامی!  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۵ فروردین ۱۳۹۸،  
۴ آوریل ۲۰۱۹

قربانیان سیل بلکه برای حل ریشه ای همه مصائب مردم نیز باید در شوراهای همیاری متشکل شد و بمیدان آمد.

پیش بسوی تشکیل شوراهای همیاری!

همگان نشان داد که منشاء همه مصائب و مشکلات جامعه، منشاء فقر و فلاکت و بی حقوقی و تبعیض و سرکوب، مفتخران حاکم هستند. نه تنها برای پاسخگویی به نیازهای فوری

## معرفی کتاب جنبش اول ماه مه در کردستان

نسان نودینیان

### مقدمه

امروز سیمای سیاسی کردستان به نسبت دو دهه گذشته تغییرات تعیین کننده ای کرده است. کارگران و فعالین کارگری از دو دهه گذشته با جنبش طبقه کارگر در سطح سراسری چفت شده اند. اعتراضات و مطالبات آنها بخشی تشکیک ناپذیر از مبارزات طبقه کارگر در سطح سراسری است. فعال کارگری در سنندج و مهاباد و سفز در شکل های مستقل از دولت همگام و همسنگر با فعال کارگری در تهران و در سطح سراسری برای اهداف مشترک طبقاتی مبارزه میکنند.

در دو سال گذشته اختلاف فاز اعتراضات در کردستان و سطح سراسری بوسیله اعتصابات باشکوه معلمان بویژه در سال ۱۳۹۷ و پیوستن معلمان به اعتصابات سراسری و استقبال باشکوه از این اعتصابات افق مبارزه مشترک و همسرنوشتی طبقاتی و سیاسی جامعه را تحکیم بخشید.

در عرصه نهادهای مدنی بویژه فعالین زیست محیطی ارتباطات سراسری برای دفاع از محیط زیست توسط فعالین این عرصه، بدست گرفته شده است.

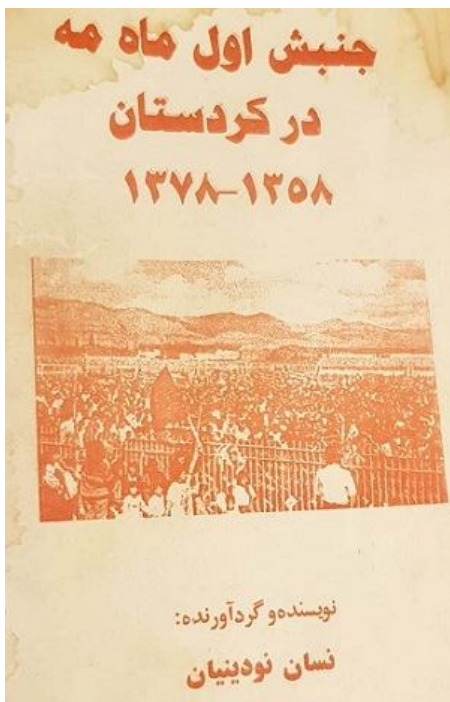
اگر در دو دهه گذشته مراسم های اول ماه مه و روز جهانی زن در کردستان با قدرتمندی و با حضور شکوهمندانه زنان و مردان مبارز سازماندهی شده و در آن سالها در دل شرایط سیاه و سرکوب خونین جمهوری اسلامی، امید به مبارزه و بویژه با بمیدان آمدن نسل جوان کارگر زن و مرد و کمونیستهای جوان، مبارزه برای سوسیالیسم را تقویت و نوید داده است، امروز ما در کردستان شاهد عروج ده ها فعال در عرصه جنبش کارگری، جنبش رهایی زن و دیگر عرصه های اجتماعی هستیم، که نام و فعالیتهایشان برای توده مردم در کردستان آشنا و به شخصیتهای مهم اجتماعی و سیاسی و سخنگویان مردم و کارگران تبدیل شده اند. تجارب امروز و جمع بندی تاثیرات فعالین کارگری و جنبش رهایی زن بسی فراتر از گذشته است.

توصیه میکنم فعالین کارگری و فعالین جنبش رهایی زن با مراجعه به ادبیات دو دهه گذشته و چگونگی سازماندهی مراسم های اول ماه مه و روز جهانی زن پیوستگی و اهمیت جهتگیری کمونیسم کارگری و تاثیرات کمونیسم در کردستان در عرصه مبارزه طبقاتی و سیاسی را بدست گیرند.

کتاب جنبش اول ماه مه در کردستان یک جمع بندی از فعالیتها و تجارب اول ماه مه در شهرهای کردستان است که در شهریور ۱۳۷۸ (سپتامبر ۱۹۹۹) در سلیمانیه (کردستان عراق) چاپ و به ایران ارسال شد. در ادامه، بخشهایی از کتاب جنبش اول ماه مه در کردستان، شامل برگزاری مراسم های باشکوه اول ماه مه در شهر سنندج در سال ۱۳۶۸ و سپس نحوه شکل گیری اتحادیه صنعتگر را اشاره میکنم.

نسان نودینیان

۳۰ فروردین ۱۳۹۸ - ۹ آپریل ۲۰۱۹  
\*\*\*\*\*



### جشن باشکوه

#### اول ماه مه در سنندج!

کارگران سنندج در سال ۶۸ همچون سالهای پیش و آماده تر از گذشته به استقبال اول ماه مه میروند. از چند روز قبل از اول ماه جنب و جوشی تازه محلات کارگرنشین شهر را فرا گرفته بود. بحث حول اول ماه و چگونگی برگزاری آن به بحث گرم همه محافل و اجتماعات کارگری تبدیل میشود. در تدارک گرامیداشت این روز اقداماتی در سطح شهر صورت گرفت. تراکت و اطلاعیه وسیعاً در سطح شهر پخش گردید. در این تراکتها از کارگران خواسته شده بود تا در روز کارگر کار را تعطیل کنند، مراسم و جشن مستقل خود را بر پا دارند و مراسم دولتی را بطور یکپارچه تحریم کنند. با نزدیک شدن اول ماه سراسر شهر و محلات و مراکز کارگری سیمای دیگری بخود میگرفت. شور و شوق و شادی در همه جا موج می زد. همه چیز حاکی از این بود که امسال هم مراسم اول ماه، با شکوه بسیار برگزار خواهد شد. این اوضاع مثل سالهای گذشته عوامل جمهوری اسلامی را به

بود. عنوان بخشی از این تراکتها عبارت بود از: "گرامی باد ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر" "زنده باد آزادی، برابری حکومت کارگری" "مرگ بر جمهوری اسلامی و گرانی و خفقان، بیکاری، هدیه جمهوری اسلامی" جمعیت مردم وقتی به قله کوه آبدیدر میرسیدند با یک پلاکارد بزرگ و پرچم سرخ برافراشته روبرو میشدند که با ستاره سرخ تزئین شده بود: "۱۱ اردیبهشت روز همبستگی کارگران جهان بر شما پیروز باد". پس از اجتماع بر فراز کوه آبدیدر جمعیت مردم به سمت محلی بنام "کانی ماماتکه" حرکت کردند. در آنجا نیز یک پلاکارد و پرچم سرخ نصب شده بود. در این محل، حاضرین به نشانه جشن و شادمانی رسیدن اول ماه، به رقص و پایکوبی پرداختند که تا ساعتها ادامه یافت. آنگاه در میان تشویق شرکت کنندگان در این مراسم، پرچمی سرخ بر تپه مشرف به این محل برافراشته شد. این مراسم تا ساعت ۱۰ صبح جمعه ادامه یافت و در میان شوق و شادمانی حاضرین به پایان رسید.

### ۱۱ اردیبهشت

#### تحریم مراسم دولتی

صبح روز یازدهم اردیبهشت کارگران سنندج مراسم دولتی در محل آملی تئاتر دانشگاه رازی را بطور یکپارچه و قاطع تحریم کردند. و با این کار عزم و اراده خود را برای برگزاری مراسم مستقل کارگری بیش از پیش به نمایش گذاشتند. ۱۱ اردیبهشت، کشمکش کارگران و اداره کار، کارگران توطئه اداره کار را خنثی میکنند، و خود مستقلاً اقدام به تهیه سالن برای مراسم بزرگ کارگری میکنند! کارگران سنندج در شرایطی سالن ورزشی تختی را به صحنه نمایش قدرت متحد خود تبدیل

کردند که پیش از این توانسته بودند همه موانع، سنگ اندازیه‌ها و تهدیدات اداره کار سنندج را با دقت و هوشیاری خنثی کنند. کارگران به اداره کار مراجعه کردند تا محلی را برای مراسم شان بگیرند. زمانی که عوامل رژیم از کشاندن کارگران به مراسم دولتی سرخورده شده بودند، کوشیدند تا با سنگ اندازی از برگزاری مراسم مستقل کارگری جلوگیری کنند. از جمله گماشتگان جمهوری اسلامی در اداره کار اعلام داشتند که آن زمان مکانی را برای مراسم در اختیار کارگران قرار خواهند داد که مشخصات کامل سخنرانان را به آنها تحویل دهند. اما کارگران به این شرایط اداره کار گردن نگذاشتند. کشمکش بین کارگران و اداره کار در این رابطه تا ظهر روز ۱۱ اردیبهشت ادامه یافت. در این حین کارگران که می‌دانستند رژیم تسلیم نخواهد شد، تصمیم گرفتند خودشان را سا محلی را برای برگزاری مراسم تعیین کنند و در این مورد سالن ورزشی تختی را انتخاب کردند. این خبر به سرعت در میان کارگران شهر پیچید. کارگران در ساعت یک بعداز ظهر دسته دسته به سمت سالن تختی به حرکت درآمدند.

### تجمع بزرگ کارگران، و مردم شهر سنندج در سالن ورزشی تختی، و برگزاری جشن باشکوه اول ماه مه!

کارگران در ساعت یک بعداز ظهر دسته دسته به سمت سالن تختی به حرکت درآمدند. ساعت سه بعداز ظهر کارگران درب سالن را باز کردند و سالن را در اختیار خود گرفتند. با افزایش تعداد کارگران و شروع مراسم، گشتی‌های رژیم که قبل از آن به اجتماع کارگران نزدیک شده و به بازدید کارتهای شناسایی پرداخته بودند، تا پایان کار جرات نزدیک شدن به محل را نیافتند. کارگران

به محض در اختیار گرفتن سالن فوراً شروع به تزئین و آماده ساختن کردند. تراکت و پلاکاردهای متعددی در سالن نصب شد. روی بعضی از پلاکاردها اینطور نوشته شده بود: "کارگران جهان متحد شوید" "گرامی باد ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر" "ما کارگران صنعتی خواهان تعطیل روز جهانی کارگر هستیم" "ما کارگران شرکت شاهو خواهان تعطیلی روز جهانی کارگر هستیم" "ما کارگران کردستان پشتیبانی خود را از مبارزات کارگران فلسطین اعلام میداریم" "زنده باد روز کارگر"، "زنده باد اتحاد و مبارزه متحده کارگران" "راه ما در اتحاد ماست" بر روی این پلاکاردها که با ستاره سرخ تزئین شده بودند، امضا کارگران سنندج بچشم می‌خورد.

ساعت سه بعداز ظهر در حالیکه چند زن و مرد و پیر و جوان در داخل و اطراف سالن اجتماع کرده بودند، در میان شور و استقبال حاضرین مراسم آغاز شد. در ابتدا یکی از شرکت کنندگان در مراسم خوش آمد گفت. سپس به احترام کارگران جانباخته شیکاگو و همه جانباختگان راه‌های طبقه کارگر یک دقیقه سکوت سکوت اعلام گردید و سخنرانان یکی پس از دیگری صحبت کردند.

ابتدا جمال چراغ ویسی، در مورد تاریخچه اول مه سخنرانی کرد. جمال در صحبت‌های خود اشاره به چگونگی مراسم روز جهانی کارگر توسط کارگران همه کشورهای جهان و عنوان این مسئله که کارگران با تعطیل و توقف کار و تولید در چنین روزی قدرت متحد خود را به نمایش می‌گذارند، از جمله گفت "این روز برای ما کارگران فرصتی است تا قدرت متحد خود را به نمایش درآوریم و این واقعیت را اثبات کنیم که همه ثروت‌های این

جهان حاصل کار ماست" جمال سخنرانی خود را در میان شور و شوق و تشویق زنان و مردان حاضر در سالن به پایان برد.

دومین سخنران، باز هم جمال چراغ ویسی بود که درباره ضرورت متشکل بودن کارگران صحبت کرد. جمال با اشاره به محدودیتهایی که از جانب دولت و سرمایه داران بر سر راه ابراز وجود فعالیت اجتماعات و شکل‌های کارگری ایجاد می‌کنند، پیرامون اهمیت برپائی شورا و مجمع عمومی و امکان پذیر بودن آن با تکیه به نیروی کارگران، توضیحاتی داد. وی سپس درباره بیمه بیکاری صحبت کرد و گفت: "ما خواهان آن هستیم که به کارگران بیکار، همه کسانی که از داشتن شغل محرومند، بیمه بیکاری داده شود. ما در درجه اول باید کار داشته باشیم، دولت باید بما کار بدهد. اما در صورتیکه شغل برای ما تامین نشود، باید بیمه بیکاری به ما پرداخت گردد". جمال در ادامه صحبت‌هایش گفت: "بنا به آمار دولتی تنها ده هزار کارگر بیکار در کشور وجود دارند که واجد شرایط دریافت بیمه بیکاری هستند اما همه ما می‌دانیم که این آمار واقعیت ندارد چرا که تنها در همین شهر سنندج بیشتر از ده هزار نفر کارگر بیکار داریم" جمال در میان تشویق حاضرین سخنرانیش پایان یافت.

موضوع سومین سخنرانی که از جانب یکی دیگر از کارگران ایراد شد، صحبت در مورد ستم و تبعیضی بود که در جامعه نسبت به زنان اعمال میشود. این سخنران تاکید کرد لازم است کارگران برای بدست آوردن برابری زنان هم طبقه‌ای خود در همه عرصه‌های کار و زندگی اجتماعی مبارزه کنند.

بعد از آن کارگر ۱۵ ساله‌ای درباره کار کودکان و جوانان کمتر از ۱۸ سال سخنرانی کرد. وی به

تفصیل توضیح داد که چگونه سرمایه داران از تنگدستی خانواده‌های کارگری برای استثمار فرزندان‌شان استفاده میکنند. این رفیق کارگر تاکید کرد بجای اینکه کودکان و جوانان در این سنین با بهره‌گیری از امکانات جامعه درس بخوانند و برای ارتقا توانایی و استعداد‌های انسانی خود بکوشند، سرمایه داران آنها را از آغوش خانواده‌هایشان بیرون کشیده و در بازار پر مشقات کار استثمار میکنند.

در قسمت پایانی مراسم قطعنامه‌ای ۲۳ ماده‌ای قرائت شد و حاضران با کف زدن آنرا تایید کردند. در حین خواندن قطعنامه، متن چاپ شده آن نیز در میان شرکت کنندگان توزیع میشد.

در طول مراسم در فاصله سخنرانی‌ها چند نفر از کارگران با خواندن سرود و ترانه شور و شوق بیشتری به مراسم بخشیده بودند. همچنین توسط چند تن از کودکان کارگران یک سرود اجرا گردید. در طول مراسم همچنین با شربت و شیرینی از شرکت کنندگان پذیرایی شد. مراسم با خواندن سرود "آتش سرخ" از جانب یکی از کارگران و هم‌آوایی ظنین انداز سایر کارگران خاتمه پیدا کرد. بدین ترتیب مراسم پر شکوه جشن جهانی کارگران که با شرکت هزاران زن و مرد کارگر و علی‌رغم تمام کارشکنی‌ها و توطئه‌های مسئولین دولتی در سالن ورزشی تختی برپا شده بود، در میان خواندن سرود و سر دادن شعارهای "اتحاد، اتحاد، کارگران اتحاد"، "اتحاد مبارزه پیروزی" به پایان رسید.

### تظاهرات و راهپیمایی در روز اول ماه مه!

بعد از تمام شدن مراسم سالن تختی، موجی از انسانهای شریف و زحمتکش، سالن

ورزشی تختی را به سمت کوچه و خیابانهای شهر ترک گفتند تا با تظاهرات و راهپیمایی پرشور خود جلوه دیگری از عزم و اراده متحد و یکپارچه طبقه کارگر را به نمایش بگذارند.

هزاران زن و مرد و پیر و جوان در حالیکه شعار میدادند، با نظم و ترتیبی کم نظیر از کوچه‌های مسیر سالن تختی تا خیابان شهدا به راهپیمایی پرداختند. در طول راه مرتباً بر تعداد تظاهر کنندگان افزوده میشد و شعارها ظنین بیشتری پیدا کرد. در انتهای مسیر شمار راهپیمایان به دو برابر رسیده بودند.

شعارهای این تظاهرات عبارت بودند از "آزادی برابری حکومت کارگری" "اتحاد اتحاد کارگران اتحاد" "زنده باد سوسیالیسم" "سبه ما سپر شده" "گل‌وله بی اثر شده" این راهپیمایی تا ساعت ۶ بعداز ظهر ادامه یافت و در میان شور و شادمانی کارگران و مردم شه پایان یافت.

### مراسم روز جهانی کارگر در کارخانه شاهو!

مراسم در کارخانه شاهو از ساعت ۱۲ ظهر اول مه شروع شد. در این مراسم کارگران کارخانه شاهو علاوه بر سخنرانی‌های چند از کارگران و پخش شیرینی و شربت و خواندن سرود، قطعنامه‌ای ۱۶ ماده‌ای خوانده شد و مورد تصویب کارگران شرکت کننده قرار گرفت.

### اتحادیه صنعتگر

همزمان با آکسیونهای ماه مه در سنندج، تحول مهم دیگر در جنبش کارگری ایجاد اتحادیه صنعتگر در شهر سنندج بود.

پروسه کسب آمادگی برای برپایی آکسیونهایی گسترده ما مه در سنندج و تلاش برای برپایی تشکل کارگری رادیکال در این دوره بطور واقعی از هم تشکیل

انجمن مارکس کانادا برگزار میکند:

## کمونیسم و ناسیونالیسم در کردستان

بحثی در مورد

نیروهای ناسیونالیستی - اسلامی در منطقه و

موقعیت کومله

ارائه دهند: حمید تقوائی

زمان:

شنبه ۱۳ آوریل ۲۰۱۹  
ساعت ۲ تا ۵ بعد از ظهر

مکان:

۵۱۰۰ خیابان یانگ،

نورت یورک سیویک سنتر، تورنتو

اتاق Members Lounge

مختلف مسئولین اداره بیمه را رد میکردند. سوادآموزی هم یکی دیگر از فعالیتهای اتحادیه بود. این یک تشکل شورایی بود، هر چند اسم آن اتحادیه بود. و در مجمع عمومی اتحادیه تمام تصمیمات گرفته میشد. مجموعه این اقدامات و فعالیتهایی که اتحادیه انجام داد زمینه را برای تدارک سازمان یافته اول مه در سال ۶۵ هم فراهم نمود.

اتحادیه صنعتگر تا سال ۶۷ به فعالیت خود ادامه داد. در این مدت اقدامات معینی را به نفع کارگران به سرانجام رساند. بیمه کردن کارگران، رسیدن به وضعیت کارگاههای کوچک، ایجاد شرکت تعاونی و پیگیری سوادآموزی کارگران از مهمترین این اقدامات بودند. اتحادیه کمیته های مختلفی در امور ورزش و بهداشت و سوادآموزی بوجود آورد.

اتحادیه صنعتگر و دفتر آنها در عین حال محملی بود که کارگران و رهبران آنها بدور هم جمع میشدند. تدارک مراسمهای ماه مه از سال ۶۵ تا ۶۷ اساسا از این کانال میگذشت. اتحادیه صنعتگر با دو مشکل روبرو بود. اول از توجه کردن به طرح بعضی مطالبات کارگری که امکان طرح و تحقق آنها موجود بود غافل ماند و همین باعث شد، نتواند قدرت بسیج وسیعتری داشته و نیروی بیشتری را حول اهداف و مطالبات خود بسیج کند. دوما اساسی تر، از همان روز اول با فشار کارفرمایان، اداره کار و رژیم جمهوری اسلامی روبرو بود. نزدیک به سه سال فعالیت اتحادیه، دست و پنجه نرم کردن با این فشارها هم بود. بدنبال ماه مه ۶۷ و شروع اوج دستگیری، تعدادی از دست اندرکاران و فعالین اتحادیه صنعتگر هم دستگیر شدند. و این ضربه نهایی را در جهت پایان دادن به عمر این تشکل نوپا وارد کرد. از نیمه دوم

داشته باشیم. بعد از شنیدن این اظهارات اداره کار مرتبا در کار پیشرفت ایجاد تشکل کارگری، کارشکنی میکرد و کارگران ماهی دو سه بار مراجعه میکردند. وقتی در مقابل کارشکنیهای اداره کار نا امید شدند، این بار از طریق اداره بیمه وارد شدند و لیست ۵۰ کارگر بیمه شده را به آنها دادند. اداره بیمه با ایجاد تشکل کارگری موافقت کرد و گفت در جایی میتوانید محلی به اسم "دفتر کارگری" که بعدها به اسم "اتحادیه صنعتگر" شناخته میشد، ایجاد کنید. این بار در محل اتحادیه خیاطان دفتری باز کردند و در مدت کوتاهی ۲۵۰ کارگر به عضویت درآمدند. کارگران مکانیک، کارگران نقاش، کارگران شوفاژ کار، کارگران تراشکار و کارگران نجار در اتحادیه صنعتگر جمع شدند. کار اتحادیه روبرو شد. از بدو کار هیئتی را برای رسیدگی به حل اختلاف بین کارگر و کارفرما در اتحادیه انتخاب شد. بعضی از کارگران که عضو اتحادیه هم بودند هنوز بعد از ۶ تا ۷ سال بیمه نبودند. به وضع این کارگران این هیئت رسیدگی میکرد. و هیئتی برای رسیدگی به وضع کودکان که سن و سال آنها بین ۶ و ۷ سال بود، تشکیل شد. این اقدامات کارفرماهای کارگاههای کوچک را بر آشفته کرد و به اداره کار میرفتند و شکایت میکردند، که این اتحادیه صنعتگر کارگران را علیه ما تحریک میکنند. در اتحادیه یک چیز معلوم بود و اینکه کارگران نمیخواستند دیگر مثل سابق بدون بیمه باشند. اتحادیه لیست کارگرانی که بیمه نبودند به بیمه میرد و اداره بیمه از بیمه نبودن این کارگران خیر نداشت. کارفرماها هنگام مراجعه اداره کار برای بیمه کردن کارگران به کارگاهها مراجعه میکرد. کارفرماها کارگران بیمه نشده را قایم میکردند و با گروه های

پذیر نیستند. یکی از فعالین جنبش کارگری سندج، یدی عزیز در مورد ایجاد اتحادیه صنعتگر چنین میگوید: "در اسفند ۱۳۶۴ بحث درست کردن تشکل کارگر از طرف جمعی از کارگران در محل کار و مراودات محل زندگی مطرح شد. کارگران به این مساله فکر میکردند که تشکلی به اسم "دفتر کارگری" یا "اتحادیه" تشکیل شود. بحث سازماندهی کارگران حول تشکل کارگری تا فروردین ماه ۱۳۶۵ در میان کارگران در محافل مختلف کارگری وجود داشت. این مساله از زاویه های مختلف مورد بررسی قرار گرفت. در فروردین سال ۱۳۶۵ با اتحادیه خیاطان در مورد تشکیل تشکل کارگری مشورت میشود با اتحادیه خیاطان تماس گرفته میشود و آنها تجارب خودشان را در اختیار میگذارند اولین کمک آنها مساله جایی بود برای جمع شدن کارگران کارگاههای کوچک، سپس چند نفر از کارگران (که بعدا اتحادیه صنعتگر را ایجاد کردند). به اداره کار مراجعه میکنند و با کارمندان اداره کار، به اسم "هدایتی معاون اقلامی" رئیس اداره کار سندج، صحبت کردند. هدایتی هیچ کاری برای کارگران انجام نداد و فقط برای آنها برای ملاقات با اقلامی وقت تعیین کرد. یک هفته بعد، اقلامی رئیس اداره کار به رفقای کارگر گفته بود که باید حداقل لیست ۵۰ کارگر بیمه شده داشته باشد تا مجوز دادن تشکل کارگری از طرف دولت داده شود. و در ضمن گفته بود تشکلی که ایجاد میشود زیر نظر اداره کار است و اداره کار دخالت مستقیم باید داشته باشد. کارگران در مقابل اقلامی رئیس اداره کار گفته بود ند که ما جمعی کارگر هستیم و نمیخواهیم زیر نظر اداره کار و یا گروههای سیاسی باشیم. ما میخواهیم تشکل مستقل خود را

را به متحد و متشکل بودن جواب دهد. تعدادی از این صندوقهای کارگری یکسال بعد از اتحادیه صنعتگر هم فعالیت خود را ادامه دادند. اتفاقا در غیاب اتحادیه صنعتگر مراسم ماه مه سال ۶۸ توسط فعالین این صندوقها سازماندهی شد. با ادامه دستگیری رژیم در سال ۶۸ تعدادی از فعالین این صندوقها از جمله رفیق جمال چراغ ویسی دستگیر شدند و ادامه کاری آنها هم قطع شد. صندوقهای کارگری نیز خود انعکاسی از سیر سازمانیابی کارگران در آن سالها بود.\*

سال ۶۷ اتحادیه صنعتگر نتوانست به فعالیت خود ادامه دهد. همزمان با دوران فعالیت اتحادیه صنعتگر لازم است به عرصه دیگری از سازمانیابی کارگران سندج اشاره شود. در همین دوران صندوقهای مالی کارگری که به شکل نیمه مخفی و نیمه علنی فعالیت میکردند در میان کارگران و خانواده های بعضی از محلات کارگری بوجود آمد. این صندوقها امکانی بودند که کارگران به یاری آنها هم شرایط سخت معیشتی شان را تخفیف دهند و در عین حال ابزاری بود که تا حدودی نیاز آنها



## ستون آزاد

### سیل و

## جدال صف بندی های طبقاتی!

### رحمان گلچهره

اگر در گذشته پدیده هائی همچون سیل و زلزله بعنوان «بلاای طبیعی» و «خشم خدایان از نافرمانی» بر انسانها تحمیل میشد و اجتناب ناپذیر بود، امروزه دیگر پذیرفتنی و اجتناب ناپذیر نیست. امروز، در عصری که رشد غول آسای تکنولوژی و ارتقای ظرفیت های دانش بشری با افزایش ثروت و امکانات مادی جامعه در هم تنیده، قدرت انسان برای کنترل طبیعت بسیار عظیم است و جلوگیری از «بلاهای طبیعی» در سطح وسیعی امکانپذیر شده است. از اینرو، در توضیح چنین کشتار انسانی و ویرانی و آوارگی ناشی از سیل اخیر، اشاره و تاکید بر «بلاای طبیعی»، یک شیادی نفرت آور و در تحلیل نهائی یک فاجعه برنامه ریزی شده علیه مردم است.

تسلط و اعمال چهار دهه بربریت مناسبات سرمایه با قوانین ضدکارگری و اعمال بیشترین سیاست ها و اقدامات علیه منافع کارگران و مردم زحمتکش، با حرص سود و غارتگری و بستر سازی بدترین شرایط معیشتی و زیستی غیر انسانی نا ایمن بر مردم از یکطرف، در کنار تصاحب ساختاری و مصادره مافیائی همه ثروت و منابع و امکانات موجود جامعه از سوی دیگر، مسببان قطعی این فجایع را متوجه سیستم فعلی و برعهده دولت ها و همه نهادها و متولیان این مناسبات حاکم قرار داده است.

فاجعه به سیل دادن مردم همچون زلزله ای که بر سر مردم کرمانشاه آوار شد، در عین حال صف بندی ها و مصاف هائی را بر متن این واقعه بجلو رانده است: مصاف مردمان «مصیبت» دیده علیه وضعیت موجودی که بر سرشان آوار کرده اند، تقلائی انسانهای به تنگنا رانده شده برای زنده ماندن و حفظ تنمه داشته تبدیل این میزان از بارش به یک فاجعه انسانی و زیست محیطی تنها محصول طبیعت نیست، که انداختن تقصیر آن به گردن طبیعت بی غرض نیست. غرض و قصد عاملین ایجاد این وضعیت صرفاً توجیه قتل عمد و تخریب و آوارگی، و پنهان کردن نقش خود در ایجاد اینهمه زجر و

هایشان و در کشمکش علیه ستمگران و مسببین فاجعه.

دولت، نهادها و ارکان و متولیان مرتبط با قدرت، کسانی که خود مسببان این فاجعه اند و سیل را به سمت زندگی مردم هل داده اند، پس از فراغت از «در کردن خستگی» شان، به فاز بعدی ورود میکنند. چه آنان که قداره بند قلدرا نه طلبکار مردم اند، چه بخشا ایستاده خندان برجنازه مردمان خفته در سیل، و «حضراتی که متخصص ترند»، همگی با ذوق زدگی میلیاردها دلار برکتی که سیل به دامانشان انداخته، در نهایت با تکمیل سناریوی زور و روضه های فریب و وعده های پوچ، اما همگی شان بر یک مخرج مشترک نشسته اند:

کماکان دست در جیب و سفره مردم، و در عین حال ممانعت از دخالتگری و عمل مستقیم مردم در کمک به مصیبت زدگان سیل، راهکارشان بوده و هست.

در این میان، طبقه کارگر ایران و توده مردم، در متن بجلو آمدن متمدنانه ترین خصائل و معرفت انسانی در قامت یک جنبش اجتماعی، در برابر این فاجعه و در یاری رساندن به مردمان به تنگنا افتاده، در یک هم سرنوشتی دخالتگرانه عرض اندام نموده است! چنین سطح از دخالتگری طبقه کارگر و مردم، و در اشکال گوناگون و نه تنها در قامت یک جنبش اجتماعی مستقل از دولت، که در شرایط کنونی بمشابه عرصه دیگری از مبارزه طبقاتی بطور کلی، علیه وضعیت موجود

به میدان آمده است.

این جنبش قاطعانه و به درستی، با دخالتگری و تلاش در افشای تمام ریاکاری و شیادی نفرت آور دولت و همه نهادها و ارکان متناظر، آنان را مسئول مستقیم در این ماجرا میدانند. دولت و همه نهادهای حکومت بدلیل سیاستها و اقدامات و اختیارات تاکتونی شان، و بدلیل اینکه همه ثروت و منابع و امکانات موجود جامعه را در تملک و تصاحب خود و اعوان و انصارشان دارند، مسبب این وضعیت بوده اند. از اینرو باید آنان را وادار به قبول این کرد که پیشگیری از بروز چنین فجایعی و اقدامات بموقع در ممانعت از هر آسیب و ضرر احتمالی بر جسم و جان و معاش و عرصه های زیست و زندگی مردم وظیفه مستقیم دولت است.

باید بطور قطع تاکید کرد دولتی که اندکی صداقت داشته باشد و در مقابل مردم و جامعه مسئولیت بپذیرد، باید در شرایطی مشابه این سیل همه ارگانها و نهادهای تحت مسئولیت آن موظف باشند که به فوریت اقدام کنند. یعنی در لحظه و با اولویت نجات جسم و جان و داشته های مردم به «سیل داده شده»، بدون هرگونه ریاکاری و فریب و دست در جیب و سفره مردم بردن، همه شرایط برخوردار شدن از یک زندگی (غیر اردوگاهی) درخور انسان متمدن امروز را برای همین مردمانی که ثروت و امکانات موجود جامعه حاصل کارمزدی و دسترنج شان است را فراهم کنند. اما عملکرد دولت و نهادهای

مربوطه عکس اینرا نشان داد، و نقش مردم و این سطح از دخالتگری آنان تصویری عینی از عمیق تر شدن تنفر مردم از این وضعیت را نشان داد و مهر عدم مشروعیت بر همه ارکان دولت (به مفهوم طبقاتی آن) و متولیان و مدافعان مناسبات موجود سرمایه بعنوان مسببان این وضعیت را کوبید.

بر متن این کشمکش طبقات، نیروی کارمزدی، تشکلات و گروههای اجتماعی مستقل، و همه جریانات آزادیخواه و مدافع منافع انسانی، بمشابه یک صف بندی عظیم اجتماعی و با اراده دخالتگری بلاواسطه در پاسخ به نیاز و مطالبات مردمان (به سیل داده شده) بعنوان اقدام عاجل در مساعدت و همیاری به میدان آمده است. جنبش نیروی کارمزدی وتوده مردم، در غیاب «خواب زدگی اختیاری» و «غافلگیری ساختاری» دولت و همه نهادهای متناظر قدرت، به درستی ابتکار عمل نجات جان و زندگی به سیل داده شده گان را در ابتدای فاجعه از متولیان این نظم سرمایه به دست گرفتند. و این یک ویژگی بوجود آمده از شرایط سیاسی اجتماعی در ایران است که بیانگر وجود یک اراده و خواست اجتماعی دخالتگرانه، با قابلیت روح سازمان یابی، در پاسخ عاجل به نیازهای این مردمان «مصیبت زده» میتواند باشد.

نان، رفاه، آزادی،

حق توده های مردم است!



## کمونیسم کارگری

اما، نه فقط آزادی و برابری، بلکه حتی آرمان محو طبقات و استثمار، ویژه کمونیسم کارگری نیست. این آرمان‌ها پرچم جنبش‌های مختلف طبقات و اقشار محروم در جوامع پیشین هم بوده‌اند. آنچه کمونیسم کارگری را بعنوان یک جنبش و یک آرمان اجتماعی از تلاش‌های آزادیخواهانه و مساوات‌طلبانه پیشین متمایز میکند، اینست که چه از نظر عملی و اجتماعی و چه از نظر آرمانی و فکری در برابر سرمایه‌داری، یعنی متاخرترین و مدرن‌ترین نظام طبقاتی، قد علم میکند.

کمونیسم کارگری جنبش پرولتاریا است، طبقه‌ای که خود محصول عروج سرمایه‌داری و تولید مدرن صنعتی است. طبقه‌ای که از فروش نیروی کار خویش زندگی میکند و جز نیروی کار خویش وسیله‌ای برای تامین معاش خویش ندارد. پرولتاریا برده نیست، رعیت نیست، استادکار و صنعتگر نیست، نه تحت تملک و انقیاد کسی است و نه خود مالک وسائل کار خویش است. هم آزاد و هم ناگزیر است تا نیروی کار خویش را در بازار به سرمایه بفروشد. پرولتاریا، محصول سرمایه‌داری و صنعت مدرن و طبقه استثمار شونده اصلی در این نظام است.

اصول اعتقادی و آرمان اجتماعی کمونیسم کارگری بر نقد ارکان اقتصادی و اجتماعی و فکری نظام سرمایه‌داری متکی است. نقدی از زاویه طبقه کارگر مزدی در این جامعه و به این اعتبار حقیقی و انقلابی. تلقی زحمتکشان و تولیدکنندگان غیر پرولتر از آزادی و برابری و سعادت بشر، چه امروز و چه در جوامع پیشین، به ناگزیر انعکاسی از مناسبات اجتماعی حاکم بر جامعه و موقعیت خود آنان در رابطه با تولید و مالکیت است. تلقی برده از آزادی بناچار چندان از لغو برده‌داری فراتر نمی‌رفت و تجسم رعیت یا صنعتگر خرده‌پای شهری از برابری چیزی بیش از برابری در حق مالکیت نمیتوانست باشد. اما، با ظهور پرولتاریا بعنوان توده عظیم تولیدکنندگان فارغ از هر نوع مالکیت وسائل تولید، طبقه‌ای که اسارت و استثمار اقتصادی اش، دقیقاً بر آزادی حقوقی اش بنا شده است، افق آزادیخواهی و برابری طلبی از

اساس دگرگون شد. پرولتاریا نمیتواند آزاد شود بی آنکه جامعه بطور کلی از مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و تقسیم طبقاتی رها شود. برابری امری نه صرفاً حقوقی، بلکه همچنین و در اساس اقتصادی - اجتماعی است.

انتقاد پرولتری به سرمایه‌داری و جهان‌نگری و مبارزه سیاسی آزادیخواهانه و رهائیبخش کارگری که قریب دو قرن قبل در شکل مشخص کمونیسم کارگری ظهور کرد، با مارکسیسم به انسجام و شفافیت و قدرت نظری عظیمی دست یافت. جنبش کمونیسم کارگری در تمام طول تاریخ خویش با مارکسیسم و نقد مارکسیستی به جامعه سرمایه‌داری پیوندی عمیق و ناگسسته داشته است.

کمونیسم کارگری جنبشی اجتماعی است که با ظهور سرمایه‌داری و طبقه کارگر مزدی شکل گرفت و عام‌ترین و عمیق‌ترین شکل انتقاد و اعتراض طبقه کارگر به نظام سرمایه‌داری و مصائب آن را نمایندگی میکند. اهداف و برنامه عملی این جنبش بر نقد مارکسیستی بنیادهای جامعه سرمایه‌داری معاصر، بعنوان آخرین، مدرن‌ترین و پیشرفته‌ترین شکل جامعه طبقاتی، مبتنی است.

کمونیسم کارگری جنبشی جدا از کل طبقه کارگر نیست و منافع جدا از منافع کل طبقه کارگر دنبال نمیکند. تفاوت جنبش کمونیسم کارگری با سایر جنبشها و احزاب کارگری در اینست که اولاً، در مبارزه طبقاتی در هر کشور، پرچم وحدت و منافع مشترک کارگران سراسر جهان را بر میافرازد و ثانیاً، در مراحل و جبهه‌های مختلف مبارزه طبقه کارگر، مصالح کل جنبش طبقه کارگر را نمایندگی میکند. کمونیسم کارگری لاجرم جنبش پیشروترین بخش طبقه کارگر است که شرایط و ملزومات پیروزی و هدف نهایی مبارزه طبقاتی را بدرستی میشناسد و میکوشد بخش‌های مختلف طبقه کارگر را به میدان بکشد.

از "یک دنیای بهتر"، برنامه حزب کمونیست کارگری